

واکاوی بازدارنده‌ها و راهبردهای تکوین امت واحده اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۱۰

مرتضی اکبری^۱
فریدون رضائی^۲

چکیده

امروزه اندیشمندان اسلامی در پی تحقق آرمان قرآنی تکوین امت واحده اسلامی هستند، همان آرمانی که در صدر اسلام، پیامبر(ص) آن را محقق کرد و در اندک زمانی، از اعراب متفرق جاهلی امتی منسجم، متمدن و قدرتمند ساخت. قدرت نوظهور فوق توانست در برابر تمدن‌های باشکوه آن دوران قد علم کند و تا مدت‌ها قدرت بلامنزاع دوران خود بود و آثار بسیار عمیقی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، هنری بجای گذاشت که به نام «تمدن اسلامی» شناخته می‌شود. از ویژگی بارز آن، توانمندی درون بطنی است که در هر زمان و مکانی قابلیت بازیابی دارد و می‌تواند محتوای آن را شکوفا سازد. در دوران معاصر، که تمدن اسلامی دچار خمودگی و سستی شده، مصلحان بزرگی برای شکوفا شدن توانمندی‌های درون بطنی آن تلاش کرده‌اند. امام خمینی(ره)، متفکر بزرگ اسلامی، ضمن بیان تئوری تشکیل امت واحده اسلامی، به تشریح علل و عوامل چالش‌ها و مشکلات فراروی مسلمانان و تمدن اسلامی پرداخته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که امام خمینی نسبت به بازدارنده‌های پیش روی امت واحده اسلامی چه دیدگاهی دارد؟ و چه راهبردهای برای رفع مشکلات تمدن اسلامی ارائه کرده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد، فرقه‌گرایی، جهانی‌سازی، عدم رهبری واحد در بین مسلمانان، وجود حاکمان ظالم و فاسد، ترویج اسلام آمریکایی، وابستگی کشورهای مسلمان به بیگانگان از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی امت اسلامی است و استکبار ستیزی، وحدت و خودباوری مسلمانان و استمرار بیداری اسلامی راهکارهای امام خمینی(ره) برای رفع چالش‌ها و مشکلات جهان اسلام هستند.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی(ره)، امت واحده، بازدارنده‌ها، راهبردها، اسلام.

۱ استادیار دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) mo.akbari@ilam.ac.ir

۲ کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید، مؤسسه عالی باختر ایلام

مقدمه و بیان مسئله

آرمان قرآنی تشکیل امت واحده اسلامی سنت قطعی خداوند است و بعثت انبیا عظام در این راستا بوده است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور، ۵۵). مفسران ذیل آیه فوق گفته‌اند: از مجموع آیه چنین برمی‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت ایمان و عمل صالح هستند سه نوید داده است: الف: استخلاف و حکومت روی زمین، ب: جهانی‌سازی آیین حق، ج: ایجاد امنیت و آرامش (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ و ۲۰۸؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴ و ۵۲۷). تکوین امت واحده اسلامی پدیده‌ای سهل‌الوصول نیست و آنی رخ نمی‌دهد، بلکه پدیده‌ای مشروط و مقید و تابع سلسله‌ای از شرایط اساسی و مهم است که در پرتو آن، چنین امر ذهنی و نظری به مرحله عینیت و عمل درمی‌آید. از جمله شرایطی که تحقق و عینیت این پدیده را عملی می‌نماید، فهم و درک صحیح بازدارنده‌های مهم فوق است. امام خمینی (ره) از جمله اندیشمندان بزرگ جهان اسلام است که نظریه‌های ایشان درباره تشکیل امت اسلامی و بازدارنده‌های آن تأثیر بسیار عمیقی بر روند معادلات سیاسی جهان گذاشته است. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تغییر و تحول بنیادین در جوامع اسلامی و رسیدن به آرمان تشکیل امت واحده اسلامی بدون برنامه‌ریزی اساسی و ریشه‌دار فکری امکان‌پذیر نیست، زیرا وضعیت کنونی جهان اسلام، معلول شرایط و عوامل بسیاری از جمله: انحطاط فکری، فرهنگی و اعتقادی مسلمانان و سلطه قدرت‌های استعمارگر بر آنان است، بدین ترتیب اگر افراد اطلاع ریشه‌دار و صحیحی از بازدارنده‌هایی که بر سر راه آرمان امت واحده اسلامی است، داشته باشند و با اتحاد اسلامی در مسیر احکام اسلام حرکت کنند می‌توانیم شاهد دوران مجد و عظمت تمدن اسلامی باشیم. از این رو با توجه به اهمیت وحدت مسلمانان لازم است بازدارنده‌ها و راهبردهای تکوین امت واحده اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)، مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

هدف و پرسش‌های پژوهش

چه عوامل و بازدارنده‌هایی در جهت تشکیل امت واحده اسلامی وجود دارد؟ چه راهبردهایی برای از بین بردن این موانع و بازدارنده‌ها مطرح است؟ در پاسخ باید گفت: در تاریخ معاصر ایران و کشورهای مسلمانان، متفکرانی، از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی، بوده‌اند که هر کدام

برای تکوین امت واحده اسلامی تلاش زیادی کرده و در حد خود سهم به‌سزایی در این زمینه داشته‌اند، اما مهم‌ترین و کارآمدترین متفکر اسلامی در این زمینه امام خمینی (ره) است که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی با هدایت و رهبری انقلاب اسلامی توانست برای تکوین امت واحده اسلامی با سخنرانی‌ها و ارائه راهکارها و راهبردهایی رؤیای مسلمانان را به تحقق برساند، از این رو این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که دیدگاه امام خمینی (ره) نسبت به بازدارنده‌های پیش‌روی امت واحده اسلامی چگونه است؟ و چه راهبردهایی برای رفع مشکلات آن ارائه کرده‌اند؟ این پژوهش با هدف تبیین بازدارنده‌های پیش‌روی تحقق و تکوین امت واحده اسلامی و تشریح راهبردهای دستیابی به مهم فوق از دیدگاه امام خمینی (ره)، موضوع را مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

بیشتر تحقیقات و پژوهش‌هایی که در حوزه علم تاریخ انجام می‌شود از نوع پژوهش توصیفی - کیفی است. این مقاله گزارشی از پژوهشی اسنادی است که براساس دانش انسان‌شناسی و با به‌کاربردن روش مرسوم تاریخ‌نویسی، یعنی از روش تحلیل تاریخی با استفاده از منابع و مآخذ و به روش اسنادی و مراجعه به کتابخانه انجام شده و رویکرد اصلی آن، تحلیل محتوا و مطالعه موردی است. محقق در مطالعه اسنادی، مدارک مکتوب بازمانده از موضوع مورد بحث را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده است. پژوهش حاضر در ابتدا بازدارنده‌های تشکیل امت واحده اسلامی را بررسی و تحلیل می‌کند و سپس از دیدگاه امام خمینی (ره) راهکارها و راهبردهای لازم برای تحقق این امر مهم را مطرح و مورد واکاوی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

درباره زوایای شخصیت، زندگی‌نامه و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امام خمینی (ره) پژوهش‌های زیادی انجام شده که هرکدام گوشه‌هایی از آن را بیان و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است از جمله آنها؛ «ویژگی همبستگی و وحدت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی» نوشته محمدحسن جمشیدی و همکاران، مقاله «چیستی و ماهیت «وحدت و همبستگی» در اندیشه سیاسی امام خمینی» از همان نویسندگان، مقاله «نفی تبعیض نژادی و قومی در اندیشه امام خمینی» نوشته سعید میرترابی و همکاران، مقاله «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با

توجه به دیدگاه امام خمینی» نوشته مصیب ایرانی، مقاله «راهکارهای وحدت جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی و سید جمال‌الدین اسدآبادی» نوشته احمد سعادت، مقاله «نظریه انسجام اسلامی در اندیشه امام خمینی» نوشته غلامحسن مقیمی، مقاله «وحدت اسلامی از منظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری» نوشته محمدحسین است. لازم به ذکر است که تمایز مقالات مذکور با این مقاله، همانطور که در عنوان آمده و از متن نیز قابل دریافت است، تبیین بازدارنده‌های تفرقه‌انگیز و جدایی انداز امت اسلام از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) است؛ یعنی محور اصلی مقاله ذکر نمونه‌های دارای ضریب بالای تأثیر در تفرقه و تشتت مسلمانان است. در ادامه به ذکر راهبردهای کلان معظم‌له جهت تکوین امت واحده اسلامی اشاره شده که ضرورت دارد به صورت نظام‌مند پژوهشی در این مورد انجام و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

واژه امت یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در گفتمان سیاسی اسلام است. این واژه در قرآن کریم ۶۴ بار به کار رفته است. در میان واژه‌های به کار رفته پیرامون جامعه، واژه امت از سایر کلمات، مهم‌تر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۸۵). راغب اصفهانی ذیل «أمم» گفته: «واژه الأمة به تمام گروه‌ها و جماعتی که به خاطر کاری و هدفی مجتمع می‌شوند اطلاق می‌گردد خواه آن کار دین واحد یا زمان و مکان واحد باشد، اجباری باشد یا اختیاری، به هر صورت آن گروه واحد و جمعش را امم گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۱/۱۹۳). در اصطلاح، امت گروهی از هر جنس را گویند و به تعبیر دیگر، امت گروهی هستند که جامعه‌ی همچون دین، زمان یا مکانی آنها را گرد هم آورده باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱/۱۲۴). هر قومی که به پیامبری منسوب شده و به او اضافه شود، امت آن پیامبر هستند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۶) و عمید واژه امت را پیروان یک پیامبر، گروهی از مردم و جماعت معنی کرده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱/۱۷۸).

پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه به منظور تحقق امت واحد اسلامی با تمام قبایل و طوایف ساکن در مدینه اعم از مهاجرین، انصار و یهودیان عهدنامه‌هایی منعقد کرد و همه ساکنان مدینه را تحت لوای حکومت اسلامی درآورد (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/۳۳۳). اولین بند قرارداد پیامبر (ص) با گروه‌های موجود در مدینه این بود که مسلمین را امت واحده قلمداد کرد و ارتباط مسلمانان و کفار را قطع و اظهار نمود مسلمانان نباید از هم دوری کنند (جعفریان، ۱۳۷۲: ۲/۱۵۴). پیشوایی در مورد امت واحد مدینه، که توسط پیامبر (ص) تشکیل شد، نوشته

است: «مسلمانان و یهودیان امت واحد به شمار می‌روند» (پیشوایی، ۱۳۹۲: ۲۰۶). امام خمینی (ره) به تبعیت از سنت رسول خدا (ص)، درصدد انسجام و وحدت مسلمانان و نیز تشکیل مجدد امت اسلامی تحت لوای دین اسلام بود، در نتیجه با ایراد سخنرانی‌های متعدد موانع و چالش‌های پیش‌رو اتحاد مسلمانان و امت واحده اسلامی را تشریح نموده و مسلمانان را از آن موانع بر حذر داشته است.

واژه «واحد» از ریشه «و ح، د» به معنای انفراد و تنهایی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۰/۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۹۰/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۵۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴۸/۱۳). دهخدا وحدت را به معنای «یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، یکی، عینیت، اتحاد، تنها و یکتا ماندن، یگانه شدن، یکی بودن، یگانگی و ...» و اتحاد را به معنای «یکی شدن، یگانگی دانستن، یکرنگی، یگانگی، یکدلی، یک‌جهتی، موافقت، اجتماع و ...» آورده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵ / ۲۳۱۳۵ و ۱ / ۱۰۰۸). در تعریف اصطلاحی وحدت این‌گونه آورده‌اند: «... وحدت متشکل شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان» (مطهری، بی‌تا: ۲۶/۲۵)؛ بنابراین امت واحده اسلامی به معنای تشکیل جامعه‌ای یک‌دست و به دور از هرگونه تفرقه و جدایی است و حول محوری واحد به نام دین مبین اسلام تشکیل می‌شود.

یافته‌های تحقیق

همانطور که عنوان مقاله نشان می‌دهد و در روش‌شناسی نیز اشاره شد این مقاله حول دو محور بازدارنده‌های امت واحده اسلامی و راهبردهای امام خمینی (ره) جهت تکوین امت واحده اسلامی ساماندهی خواهد شد. در این راستا ابتدا به بازدارنده‌های امت واحده اسلامی اشاره می‌شود.

بازدارنده‌های امت واحده اسلامی

امام خمینی (ره) با بینش سیاسی خود بازدارنده‌هایی که در طول سالیان متمادی دامنگیر تشکیل امت واحده بوده را بیان فرموده است. همان بازدارنده‌هایی که امت واحده صدر اسلام را متفرق کرد و تمدن باشکوه اسلامی را، که تا سالیان مستمر قدرت بلامنازع زمان خود بود، منحرف و به ورطه زوال و خمودگی کشاند. تمدنی که ترقی جهان امروزی در تمامی عرصه‌ها مدیون آن است. به جرئت می‌توان گفت که عامل اصلی این زوال و خاموشی مربوط به عدم اطلاع و آگاهی مسلمانان از آموزه‌های دینی است و گرنه متون متقن اسلامی راه و چاه را نشان امت

اسلامی داده است. مسلمانان باید آگاهی داشته باشند که آنچه امت اسلامی را از اتحاد و یکدستی بازمی‌دارد، در این منابع گفته شده و آنها را به دوری از آن فراخوانده است.

قومیت‌گرایی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای قرآن در جهت تکوین امت واحده اسلامی نفی قومیت‌گرایی‌های ناروا و تأکید بر وحدت، برادری و برابری بین افراد جامعه بود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳) ذیل آیه فوق گفته‌اند: «آیه شریفه تذکری است به عموم بندگان که اصل و نسب را در بارگاه سبحانی مدخلیتی ندارد بلکه فضیلت و قرب و منزلت و شرافت به تقوی و پرهیزکاری است» (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۰۰/۱۲)؛ از این رو در سیره عملی رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند که سلمان فارسی را با اینکه گفتمان اعراب در برخورد با عجمان تحقیر و تمسخرآمیز بود، هم‌ردیف اهل بیت خود قرار می‌داد یا اعلام کرد که بلال حبشی مؤذن مورد عنایت خداوند و من است. امام خمینی با اشاره به آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳)، معتقد بود که اسلام بر نژاد بازی و قومیت‌گرایی خط بطلان کشیده و مابین سیاه و سفید، ترک و عجم، عرب و غیر عرب هیچ فرقی نگذاشته است و فقط میزان را تقوا قرار داده و قضیه نژاد بازی صرفاً ارتجاع است (امام خمینی، بی تا: ۳۷۸/۱). امام(ره) با برشمردن اشتراکاتی چون خدا، قرآن و پیامبر بر اتحاد و برادری بین تمامی آحاد جامعه تأکید اساسی دارند و معتقدند که تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا از جهل و بی‌اطلاعی آنان است و نیت کسانی که دنبال تفرقه و قومیت‌گرایی بین مسلمانان هستند از بین بردن اساس اسلام است (همان: ۲۵۹/۱۲). در این بیان امام، به‌خوبی خطر فرقه‌گرایی احساس شده و معلوم می‌شود که مباحث تفرقه‌افکنانه بین فرق مسلمین در اسلام جایی ندارد و هرچه در این مسیر از ناحیه افراد جاهل در جهت تفرقه گام برداشته می‌شود به خواست کسانی است که اصولاً به اسلام اعتقادی ندارند و درست برای نابودی اسلام و مسلمانان و جلوگیری از وحدت آنان به اختلافات دامن می‌زنند. امام خمینی رسالت خطیر خود را در اجتماع سازی مسلمین می‌داند و بر این باور است که استکبار جهانی در پی این است که در بین مسلمانان قومیت‌گرایی را منتشر کنند، یعنی عرب را از غیر عرب جدا کنند و در بین عجم نیز دنبال این هدف هستند و از این طریق ثروت ملی آنها را چپاول کنند (همان: ۳۴۰-۳۳۹) به همین دلیل

ایشان خاصیت اصلی انقلاب اسلامی ایران تحت لوای اسلام را متحد نمودن اقوام مختلف ایرانی و دوری از هرگونه تبعیض قومیتی می‌داند (همان، ۱۳۶۹). یعنی خاصیت اصلی منابع نظری اسلام، در صورتی که به درستی برای مردم نبین شود، اتحاد و وحدت و نفی هرگونه قومیت‌گرایی است.

فقدان رهبری و امامت

در روایات اسلامی، امامت به منزله قلب عالم امکان اساس اسلام، رکن زمین معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۶۹، ۱۹۶، ۲۰۰). فیلسوفان اسلامی با استناد به همین روایات وجود امام و رهبر را به منزله قلب در بدن تشبیه نموده‌اند؛ زیرا رهبری در جامعه همانند قلب عامل ایجادکننده نظم، امنیت، وحدت و پاسدار بقا و کمال اجتماع است. به گفته بیشتر مفسران، امامت در قرآن با معنای لغوی آن هماهنگ است و امام کسی است که به او اقتدا کنند و او را الگو و سرمشق خود قرار دهند (رازی، ۱۴۱۳: ۲/۴۴) خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱/۸۷). لفظ «امامت» در قرآن به کار نرفته؛ ولی واژه «امام» به صورت مفرد و جمع در ۱۲ مورد استعمال شده است. از جمله در مهم‌ترین آیه بحث امامت می‌فرماید: «هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد» (بقره، ۱۲۴)؛ بنابراین ریشه تمام مشکلات و نابسامانی‌های کنونی امت اسلامی، عدم وجود امامت و رهبری است. امام خمینی با استناد به مقبوله عمر بن حنظله^۱ و روایت ابوخلدجه^۱ بر این باور است که حکومت فاسدان و

۱ عمر بن حنظله خود یکی از راویان مشهور و شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام صادق و باقر(ع) شمرده‌اند و بزرگانی مانند زراره، هشام بن سالم، عبدالله بن بکیر، عبدالله بن مسکان و صفوان بن یحیی از وی روایت کرده‌اند و این برای وثاقت وی کافی است و روایت یزید بن خلیفه دلالت بر مدح وی دارد (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۸۹). عمر بن حنظله می‌گوید از امام صادق(ع) درباره دو نفر از دوستانمان (یعنی شیعه) که نزاعی بینشان بود در مورد قرض یا میراث و به قضات برای رسیدگی مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این رواست؟ فرمود: «هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق به ایشان مراجعه کند در حقیقت به «طاغوت» (قدرت حاکمه ناروا) مراجعه کرده باشد و هر چه را که به حکم آنها بگیرد در حقیقت به طور حرام می‌گیرد؛ گرچه آن را که دریافت می‌کند حق ثابت او باشد؛ زیرا که آن را به حکم و با رأی «طاغوت» و آن قدرتی گرفته که خدا دستور داده به آن کافر شود. خدای تعالی می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ». پرسیدم چه باید بکنند. فرمود:

قضاوت آنان باطل است و مردم نباید برای حل و فصل دعاوی خود به آنان مراجعه نمایند و طبق آیات و روایات معتبر اسلامی فقیه جامع‌الشرایط به نیابت از امام معصوم باید عهده‌دار تمامی شئون حکومتی اعم از ریاست و قضاوت شود (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۹۶-۸۹ با اقتباس). امام در ادامه به روایت‌های دیگری در زمینه باطل بودن حکومت فاسدان و ظالمان تأکید نموده و بر امامت فقها دلایل متقنی ارائه نموده‌اند که ذکر آنها در این مقال نمی‌گنجد (ولایت فقیه، حکومت اسلامی).

حاکمیت ظالمان و فاسدان

خطر وجود رهبران فاسد و ظالم در قرآن مورد توجه جدی قرار گرفته است و به دلیل آثار زیان‌بار پیروی از آنان هشدار داده است: «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَّرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» (احزاب، ۶۷). مکارم‌شیرازی ذیل آیه فوق نوشته: معیار سیادت و بزرگی در میان آنها همان معیارهای زور و قلدری و مال و ثروت نامشروع و مکر و فریب بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۱/۱۷) نیز پیامبر (ص) فرمود: «دو طبقه از امت من اگر اصلاح شدند، همه اصلاح شوند و اگر فاسد گشتند، همه فاسد گردند. پرسیدند: آنها کیان‌اند؟ فرمود: فقیهان و زمامداران» (حرانی، ۱۳۸۲: ۸۷). بر این اساس از نگاه امام خمینی (ره)، بخش عظیمی از نابسامانی‌های موجود در جهان اسلام ناشی از وجود حکام جور است. اصولاً بخشی از گرفتاری‌هایی از قبیل وابستگی به قدرت‌های ظالم، احساس حقارت در برابر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی از ناحیه حاکمیت طاغوت و قدرت‌های غیر مشروع در جوامع اسلامی است. حضرت امام در این خصوص

«باید نگاه کنند ببینند از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده، و در حلال و حرام ما مطالعه نموده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است...» بایستی او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند؛ زیرا که من او را حاکم بر شما قرار داده‌ام» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۶۷).

۱ سالم بن مکرم بن عبد الله کناسی، مکنی به ابو خدیجه و ابو سلمه از اصحاب و راویان امام صادق و امام کاظم (ع) بوده و ابن قولویه و علی بن فضال او را توثیق کرده‌اند و نجاشی از او به «ثقه» یاد کرده است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۹۳). ابو خدیجه می‌گوید امام صادق (ع) به من مأموریت داد که به دوستانمان (شیعه) چنین پیغام بدهم: «مبادا وقتی بین شما خصومت و نزاعی اتفاق می‌افتد، یا در مورد دریافت و پرداخت اختلافی پیش می‌آید، برای محاکمه و رسیدگی به یکی از این جماعت زشتکار مراجعه کنید. مردی را که حلال و حرام ما را می‌شناسد بین خودتان حاکم و داور سازید؛ زیرا من او را بر شما قاضی قرار داده‌ام و مبادا که بعضی از شما علیه بعضی دیگران به قدرت حاکمه جائر شکایت ببرد» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۹/۲۷).

می‌فرماید: «شرع و حق حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت ما به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند... چون حاکمش طاغوت است... ما چاره‌ای نداریم جز اینکه دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسد کننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکمه خائن، فاسد، ظالم و جائر را سرنگون کنیم...» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۶). ایشان در فرازی دیگر می‌فرمایند: «این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند» (همان، ۱۳۸۸: ۲/ ۴۸۸). امام یکی از دلایل اصلی سرنگونی دولت عثمانی را حکومت حاکمان فاسد و نالایق می‌داند به همین خاطر معتقد هستند که برای احیای تمدن باشکوه اسلامی ما راهی جز تشکیل حکومت اسلامی نداریم، زیرا به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنان‌که حضرت زهرا (س) در خطبه خود، می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است^۱ (همان: ۳۶). ایشان ذیل آیه «... یُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ...» حکومت طاغوت را باطل دانسته و ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (نسا، ۵۹-۵۸)، ضمن اشاره به حدیث «مقصود از «رد امانت الهی» این است که احکام اسلام را آن طور که هست اجرا کنند» (طبرسی، ۱۳۷۲/ ۹۸۳)، مراد از «امانت» امامت است (همان)، مقصود از این آیه، ما (یعنی ائمه (ع)) هستیم (بحرانی، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۰۰)، معتقدند که بنای حکومت اسلامی بر امامت منصوبین خداوند متعال است و وقتی بنا شد تمام امور دینی عبارت از «امانت» الهی باشد و باید این امانت به اهلیش رد شود، یکی از آنها هم حکومت است. و به موجب آیه شریفه باید هر امری از امور حکومت بر موازین عدالت؛ یعنی بر مبنای قانون اسلام و حکم شرع باشد.

ترویج اسلام آمریکایی

یکی از واژه‌هایی که پس از انقلاب اسلامی، وارد فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران و شاید وارد فرهنگ لغات سیاسی جهان شد «اسلام آمریکایی» بود. این اصطلاح بیانگر قرائتی از اسلام

۱ «... وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا لِمَا لِفِرْقَةٍ...» (ربلی، ۱۳۸۱: ۴۸۳/۱).

است که مطابق دیدگاه‌های لیبرالیستی یا متناسب با امیال و اهداف امپریالیستی و استکباری تنظیم شده باشد. بحث اسلام ناب در اندیشه امام خمینی (ره) منظومه و مجموعه فکری و عملی جامعه‌ای است که از غنای مطلق برخوردار بوده و در ارتباط با زندگی انسان، برنامه‌های دقیق و همه‌جانبه به همراه دارد. اسلام ناب در قرائت امام به دلیل جامعیت، جذابیت جهان شمولیت و بهره‌مندی از زمینه‌های اعتقادی در درون ملت‌ها از استعداد و توان و قدرت کافی برخوردار است و اگر خوب عرضه شود، قادر است مجد و عظمت دوباره جهان اسلام را به مسلمانان برگرداند (فولادی، ۱۳۸۷، شماره ۱۲۶). امام خمینی معتقد بودند که اسلام دارای قوانین بی‌بدیلی در تمامی زمینه‌های مربوط به زندگی انسان است، از امور فردی گرفته تا امور اجتماعی همچون تشکیل حکومت. در نگاه ایشان، یکی از بدترین چیزها که اجانب در بین مردم و در بین خود ما القا کردند قرائت خاصی است که استعمار از اسلام دارد یعنی اسلام برای این است که ما فقط عبادت بکنیم. چنان‌که مذهب مسیح را هم مسخ کردند... اینها اسلام را در نظر ما، در نظر جاهلین، مسخ کردند؛ اسلام را به صورت دیگر نشان دادند و این از کیدهایی بود که با نقشه‌ها پیاده شده است و ما خودمان هم باور کردیم «آخوند را به سیاست چه!» این حرف حرف استعمار است: آخوند را به سیاست چه؟! (امام خمینی، بی‌تا: ۲۸۶/۶). بازخوانی گفتمان فکری امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان همواره از برداشته‌های سوء و نادرست از اسلام نگران بود. مهم‌ترین نگرانی درباره روایتی از اسلام بود که بعدها در گفتار ایشان با عنوان اسلام آمریکایی از آن نام برده شد. امام اسلام ناب را این‌گونه معرفی می‌کنند: «اسلام ناب محمدی، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان، تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت، کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام، نابودکننده اسلام رفاه و تجمل و اسلام التقاط و اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی» (همان: ۱۴۵/۲۱). این نوع برداشت از اسلام آن‌قدر خطرناک بود که امام خمینی هشدار دادند که: «اختلافاتی که در عراق، در ایران، در سایر ممالک اسلامی ایجاد می‌کنند، باید سران دول اسلامی توجه داشته باشند به این معنا که این اختلافات اختلافاتی است که هستی آنها را به باد می‌دهد. باید با عقل، با تدبیر، توجه داشته باشند به این معنا که به اسم مذهب و به اسم اسلام می‌خواهند اسلام را از بین ببرند. دست‌های ناپاکی که بین شیعه و سنی در این ممالک اختلاف می‌اندازد اینها نه شیعه هستند و نه سنی هستند؛ اینها دست‌های ایادی استعمار هستند که می‌خواهند ممالک اسلامی را از دست آنها بگیرند...» (همان: ۳۷۶/۱).

تحجر و قشری‌گری

متحجر کسی است که به‌هیچ‌وجه از عقاید کهنه خود دست برنمی‌دارد و پایبند عقاید و رسوم کهن، که به‌هیچ‌وجه از دگرگونی متأثر نمی‌شود، است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۱۴۳/۲۰). تحجر و قشری‌نگری یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی در راه تشکیل امت واحده اسلامی و شکوفایی تمدن نوین اسلامی است که باید به‌شدت از آن پرهیز کرد؛ چراکه هرروز شاهد تغییر و تحول در عرصه‌های متخلف زندگی هستیم. در صدر اسلام، متحجرین به‌طور متشکل به مبارزه با قرآن ناطق و حجت حق برخاستند و میدان را برای فرصت‌طلبان گشودند. نتیجه آن شکاف و اختلاف در صفوف مسلمین و عقب‌ماندگی آنها در درازمدت شد، نمونه بارز این طرز تفکر خوارج هستند که امام علی(ع) درباره آنها فرمود: «ای مردم، من بودم که چشم فتنه را کور کردم و کسی جز من بر آن جرئت نداشت، بعد از آنکه تاریکی فتنه‌ها همه‌جا را گرفت و سختی‌های آن رو به فزونی نهاده بود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۰). بدین روی امام(ع)، جهان اسلام را که خوارج می‌خواستند به جمود و ظاهرگرایی و تقشّر و تحجّری بکشانند نجات داد و غیر از ایشان احدی توان این کار را نداشت.

هم‌زمان با شروع نهضت امام(ره) در سال ۱۳۴۱ و مبارزه ایشان علیه رژیم پهلوی، متحجرین و مقدس‌مآب‌ها سد راه امام شدند و برای نهضت مشکلات فراوانی درست کردند. امام خمینی(ره) مبارزه با اینها را هزار بار سخت‌تر از مبارزه با رژیم می‌دانستند (امام خمینی، بی‌تا: ۲۸۰/۲۱). درجایی دیگر فرمود: «خون‌دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است و آن‌قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است» (همان، ۲۸۷/۲۱).

در اندیشه امام، یکی از مهم‌ترین بازدارنده‌ها در مسیر تشکیل امت واحده اسلامی و شکوفایی تمدن اسلامی، تحجر و جمود فکری است که در صورت نهادینه شدن این نگرش، جامعه اسلامی را از درون سست و ضعیف گردانده، در برابر هر نوع تهاجم فرهنگی یا ایده‌های نادرست وارده، توان مقابله را از دست خواهد داد؛ زیرا متحجر به دلیل کهنه‌پرستی و دنباله‌روی از عقاید گذشتگان تنها عقیده خود را درست می‌پندارد و از پذیرش هر نظر مخالف نظر خود امتناع می‌ورزد و در این راه، دچار افراط می‌گردد امام خمینی تمدن باشکوه صدر اسلام که بر همه تمدن‌ها سیطره یافت و در تمامی زمینه‌های علمی و مظاهر تمدن در اوج بود را نشانه روشن حضور فکر و اندیشه در جامعه اسلامی و دوری از تحجر و قشری‌گری می‌دانست.

ایشان یکی از دلایل اصلی اضمحلال تمدن بزرگ اسلامی توسط استعمار جهانی را رواج تحجر و کهنه‌پرستی در میان مسلمانان معرفی می‌کند؛ زیرا آنان این‌گونه به مسلمانان القا می‌کردند که «احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره‌گیرند(همان: ۱/۳۷۴ و ۲۱/۴۰۵) نیز خطر تحجر و قشری‌گری در جامعه اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری مورد توجه اساسی قرار گرفته و معظم‌له مدام بر تولید فکر و نوآوری در تمامی زمینه‌ها تأکید اساسی دارند(بیانات ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ها در مسیر امت واحده اسلامی و شکوفایی تمدن اسلامی، تحجر و جمود فکری است؛ زیرا متحجر به دلیل کهنه‌پرستی و دنباله‌روی از عقاید گذشتگان تنها عقیده خود را درست می‌پندارد و از پذیرش هر نظر مخالف نظر خود امتناع می‌ورزد و در این راه، دچار افراط می‌گردد(مطهری، بی‌تا: ۱۱۰/۱۹).

وابستگی

قرآن با اشاره به داستان ظلم فرعون بر بنی‌اسرائیل: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُمْ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۴)، یکی از روزنه‌های نفوذ مستکبران را در مسخ شخصیت سایر جوامع و وابسته نمودن آن می‌داند؛ «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف، ۵۴)؛ یعنی «فرعون عقول قوم خود را سبک ساخت و حقیقتش این است که آنان را واداشت که در برابر او و خواسته‌اش تسلیم باشند» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۲/۴).

امام (ره) بر این باور بودند که بیشتر مصیبت‌ها و نابسامانی‌هایی که گریبان‌گیر جهان سوم و به‌ویژه مستضعفان جهان شده ناشی از وابستگی است که در سایه آن، امت‌های عربی و اسلامی، به امید رسیدن به اهداف خیر، از اعتقادات دینی دست کشیده‌اند، درحالی‌که این تقلید و وابستگی به شعله‌ور شدن فتنه‌ها و جنگ و ویرانی میان این ملت‌ها انجامیده و باعث برپایی رژیم‌های دیکتاتوری و ستمگری شده است، حکومت‌هایی که هدف آنها جز حفظ منافع قدرت‌های استکباری چیزی نیست، هرچند این امر به قیمت گرسنگی ملت‌ها و خرد شدن آنها زیر بار ظلم و ستم انجام پذیرد. به همین علت امام خمینی(ره) همواره بر شعار نفی وابستگی تأکید می‌نمودند. اسلام وابستگی مسلمانان و پیروی آنان از هر عامل خارج از دین و عقیده را

نفی می‌کند، چراکه پیروی از دیگران به معنای دست کشیدن از اندیشه و رسالت اسلامی از لحاظ نظری و یا دست برداشتن از بعد عملی اسلامی است و این هر دو با تئوری متکامل اسلامی سازگار نیست و به همین علت، امام خمینی شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را سر داده‌اند (امام خمینی، بی‌تا: ۱۲/۲۰۲). امام معتقد است که اسلام وابستگی به دیگران را باطل می‌شمارد و بر عدم وابستگی در تمامی زمینه‌ها از جمله اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی تأکید فراوان دارد (همان: ۱/۵۱۰). ایشان در بیانی عمیق‌تر و در تشریح اهمیت وابستگی به اجانب معتقدند که سرچشمه تمامی وابستگی‌ها وابستگی فکری است: «همان‌طور که کراراً تذکر داده‌ام بزرگترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین؛ وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً طبقه دانشمند و متفکر و روشنفکر تحمیل شده است، برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می‌کنند همه‌چیز از غرب [است] و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان، فرهنگیان، دانشجویان دانشگاه‌ها و دانشسراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده، ملت و کشور خود را نجات دهید (همان).

تعصّب گرایی

به گواهی قرآن و سنت، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که پیامبران در راه دعوت به‌حق با آن در مصاف بوده‌اند، تعصّب‌گرایی در میان جوامعی بوده که مأمور به تبلیغ در میان آنان گردیده‌اند. ابن منظور در تعریف «تعصّب» می‌گوید: «تعصّب برگرفته از عصبیت و آن خصلتی است که فرد را به حمایت از خویشان خود وادار کند، ظالم باشد یا مظلوم» (ابن منظور، ۱۴۱۵: ۱/۶۰۶). بعضی دیگر عصبیت را همبستگی شدید، طرفداری حزبی، خویشاوندی یا عقیدتی، زیر بار حق نرفتن و سرسختی و پافشاری در عقیده باطل، معنا کرده‌اند (افرام، ۱۳۸۵: ۳۶۴). قرآن در ماجرای صلح حدیبیه، از تعصّب نابجا به‌عنوان یکی از بزرگترین موانع ایمان آوردن دشمنان اسلام سخن می‌گوید: «(به‌خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت

داشتند و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز داناست» (فتح، ۲۶). «حمیت» در اصل از ماده حمی (بر وزن حمد) به معنی حرارتی است که از آتش یا خورشید یا بدن انسان و مانند آن به وجود می‌آید و به همین دلیل، به حالت تب، «حُمی» (بر وزن کبری) گفته می‌شود و به حالت خشم و همچنین نخوت و تعصب خشم‌آلود نیز حمیت می‌گویند. این حالتی است که بر اثر جهل و کوتاهی فکر و انحطاط فرهنگی، مخصوصاً در میان اقوام جاهلی، فراوان است و سرچشمه بسیاری از جنگ‌ها و خونریزی‌های آنها می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲ / ۹۵). امام سجاد (ع) عصبیت مذموم و جاهلی را چنین تفسیر کرده است: اینکه فرد بدهای قومش را از خوبان دیگر بهتر بداند و قومش را بر ظلم یاری دهد، وگرنه دوست داشتن قوم و خویش عصبیت جاهلی نیست (ری-شهری، ۱۳۶۲: ۶ / ۳۳۵). نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که مراد به عصبیت و تعصب مذموم که در این باب مفاسدش ذکر می‌شود آن است که از اقوام و خویشاوندان در راه ستم یا عقیده باطل حمایت و طرفداری شود و همچنین طرفداری کردن از مذاهب باطله پدران و دفاع از جهل و گمراهی و پایداری بر عقیده‌ای باطل تعصب مذموم است؛ اما تعصب در راه حق و طرفداری از عقاید صحیح و حمایت اهل حق، چه خویش باشد و چه بیگانه، محمود و پسندیده و گاهی واجب و لازم است.

روایات اسلامی مملو از احادیثی است که در مذمت تعصب نابخردانه آمده است؛ از جمله پیامبر (ص) می‌فرماید: «هر که در دلش به اندازه دانه خردلی عصبیت باشد، خدا او را روز قیامت با اعراب جاهلیت مبعوث کند» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳ / ۷۵۰). همچنین امام علی (ع) در مورد پیروی از سران و بزرگان متعصب این‌گونه هشدار می‌دهد: «آگاه باشید! زنها! زنها! از پیروی و فرمان‌برداری سران و بزرگانتان، آنان که به اصل و حسب خود می‌نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می‌پندارند...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱). چنین احساس ناپسندی همواره مورد مذمت ائمه (ع) و بزرگان دین بوده و منافی اصول تربیتی اسلام معرفی شده است، چراکه گریز از مسیر اعتدال‌گرایی ولو در احساسات و عواطف درونی، آدمی را از راه حق دور ساخته در وادی گناه و بی‌ایمانی می‌اندازد. بر این اساس، امام صادق (ع) در ترسیم سیمای افراد دارای تعصبات گمراه‌کننده فرموده است: «کسی که تعصب برد یا برایش تعصب برند، رشته ایمان را از گردن خویش باز کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷). امام خمینی ضمن اشاره به حدیث «من تعصّب

أَوْ تَعْصَبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ» «کسی که عصبیت کشد یا عصبیت کشیده شود، گشاده شود ریسمان ایمان از گردن او.» (همان: ۳۰۷/۲) بر این باور است که خلق عصبیت از مهلکات و موبقات و موجب سوء عاقبت و خروج از ایمان است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). ایشان در ادامه حدیث می‌فرمایند: «بالجمله، معلوم است که ایمان، که عبارت است از نور الهی و از خلعت‌های غیبیه ذات مقدس حق جلّ و علاست بر بندگان خاص و مخلصان درگاه و مخصوصان محفل انس، منافات دارد با چنین خلقی که حق و حقیقت را پایمال کند و راستی و درستی را زیر پای جهل و نادانی نهد. البته آیینۀ قلب اگر به زنگار خودخواهی و خویشاوندپرستی و عصبیت بی‌موقع جاهلیت محجوب شود، در او جلوه نور ایمان نشود و خلوتگاه خاص ذوالجلال تعالی نشود... وقتی انسان دعوی اسلام و ایمان می‌تواند نماید که تسلیم حقایق و خاضع برای آنها باشد و مقاصد خود را هرچه بزرگ است فانی در مقاصد ولی نعمت خود کند و خود و اراده خود را فدای اراده مولای حقیقی کند. البته چنین شخصی از عصبیت جاهلیت عاری و بری گردد» (همان). امام به تعصب‌های بی‌جای قومیتی خط بطلان کشیدند و معتقد بودند که حتی گفتن کلماتی چون اقلیت ترک و کرد و لر و غیره با مبانی اسلامی سازگاری ندارد. ایشان بر این باور بودند که در اسلام بومی و غیربومی دیگر در کار نیست. بلکه همه برادر هم و مسلمان‌اند، زیرا در اسلام تعصب نژادی وجود ندارد. (همان، بی‌تا: ۲۹۴/۱۱).

راهبردهای امام خمینی جهت تکوین امت واحده اسلامی

امام خمینی ضمن برشمردن مشکلات، نابسامانی‌ها و چالش‌های پیش‌رو مسلمان و تمدن اسلامی برای رفع این موانع به راهکارهایی اشاره نموده است که به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم.

ضرورت وحدت مسلمانان

یکی از آرمان‌های مصلحان اسلامی جهت تشکیل امت واحده اسلامی حفظ وحدت و برقراری برادری بین آحاد امت اسلامی است. اتحاد به معنای یکی شدن، یگانگی داشتن (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۲/۱۲۳۴) و از ریشه «و ح د» به مفهوم یکتایی و یگانگی است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۵/۱۵۹). اتحاد در اصطلاح سیاسی، یگانه شدن دو یا چند کشور و پذیرش نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی واحد است که در پی آن، به همه آنها یک امت و کشور اطلاق شود (بستانی، ۱۳۷۵، ۱/۱۰۱۷).

در قرآن کریم، واژه‌هایی همچون: امت «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل / ۱۲۰) و امت واحده «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء / ۹۲) بهترین مؤید این مطلب است. موضوع وحدت اسلامی سخت مورد عنایت شارع مقدس بوده و در هر مناسبتی دعوت به حفظ وحدت اسلامی نموده است «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران / ۱۰۳) در این آیه بحث نهایی که همان مسئله اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه باشد مطرح شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۸/۳). همچنین در منابع روایی شیعه و اهل سنت، روایات بسیاری به وحدت دعوت و از تفرقه و تشتت منع شده است. امام صادق (ع) فرمود: «کسی که یک وجب از جماعت خارج شود، قلاده اسلام را از گردن خود باز کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۱/۲). همین حدیث را سیوطی در تفسیر خود به نقل از پیامبر (ص) با اندکی اختلاف آورده است: «کسی که یک وجب از جماعت خارج شود، قلاده اسلام را از گردن خود باز کرده مگر آنکه دوباره به جماعت برگردد و کسی که از دنیا برود درحالی که در تحت رهبری کسی که جامعه را رهبری کند نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶۱ / ۲).

امام خمینی (ره) در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران / ۱۰۳) وحدت و اتحاد را اجتماع و باهم بودن در امری واحد می‌داند (امام خمینی، بی تا: ۱۳۱/۹). راهبرد عظیم وحدت در اندیشه امام خمینی (ره) مورد تأکید اساسی قرار گرفته و معتقدند که مشکلات کنونی جهان اسلام فقط با وحدت کلمه مسلمین خصوصاً علمای اعلام، مرتفع خواهد شد (همان، ۲۲۴ / ۱). ایشان بر این باور بودند که رسالت اسلام، جهانی است و قصد آن تشکیل یک امت در دنیاست چه اینکه در صدر اسلام پیامبر (ص) به دنبال ایجاد وحدت کلمه در دنیا بود (همان: ۴۴۳/۱۳) و حتی تشکیل حکومت اسلامی برای ایجاد اتحاد و همدلی بین آحاد جامعه اسلامی است. چنانچه حضرت زهرا (س) در خطبه خود فرمودند که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است (همان، ۲۸۶/۶).

خودباوری

امروزه یکی از اساسی‌ترین ضربه‌هایی که از جانب سیاست‌های استکبار متوجه کشورهای به استضعاف کشیده، به‌ویژه مسلمانان شده، پدیده «خودباختگی» است. این در حالی است که جامعه اسلامی به دلیل حاکم بودن جنبه توحیدی باید در بالاترین مراتب خودباوری باشد، نکته‌ای که مورد توجه قرآن قرار گرفته و به مسلمانان تذکر می‌دهد که در صورت داشتن ایمان از

دیگران بالاتر هستند و این عامل موجب بالا رفتن روحیه خودباوری در بین آنان می‌شود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹). مفسران ذیل آیه فوق، بر مسئله خودباوری انگشت نهاده‌اند: «یکی از سنت‌های خدا در اجتماع این است که صاحبان ایمان پیروز می‌شوند. پس بر ایشان لازم است که سست نشوند و فکر شکست خوردن و نومیدی به جان‌های آنان راه پیدا نکند و نیز بر ایشان واجب است که از بعضی زیان‌ها ناراحت نشوند، چه به‌زودی سود پیروزی زیان‌های کوچک را جبران خواهد کرد» (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱/ ۶۱۹). خودتکایی، عامل بسیار مهمی در موفقیت هر انسانی است. امام در زمینه خودباوری معتقد بودند که عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم. در ابتدای هر چیزی، این باور است که می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. وقتی این باور آمد، اراده می‌کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار می‌ایستند (امام خمینی، بی‌تا، ۱۱۶/۱۴) امام در بیانی مهم در اهمیت خودباوری می‌فرماید: این پیروزی که شما به دست آوردید، برای این‌که باورتان آمده بود که می‌توانید؛ باورتان آمده بود که امریکا نمی‌تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه‌آسا را شماها انجام دادید و چنانچه شما ملاحظه می‌کنید که در این دو سال در کشور ما صنعت‌های زیادی که آن‌ها انجام می‌دادند، خودشان انجام می‌دهند و باورتان باشد که خود ما هم می‌توانیم، صنعتی داشته باشیم و می‌توانیم ابتکاری داشته باشیم. همین باور توانایی، شما را توانا می‌کند. اساس این باور است که آنها (استعمارگران) از ما گرفته بودند. آنها ما را از همه‌چیز تهی کرده بودند، به‌طوری‌که افکار ما، باورهای ما همه وابستگی داشت (همان: ۳۰۸/۱۴)؛ بنابراین عدم اتکاب‌نفس و عدم خودباوری با مبانی اسلامی که بر خودباوری و استقلال شخصیت مسلمانان در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی تأکید دارند در تعارض است، لذا باید مسلمانان با تکیه بر استعدادها و توانایی‌های خدادادی خود در مسیر پیشرفت و عزت جامعه اسلامی گام بردارند.

استکبار و استعمارستیزی

این واژه از ریشه «ک، ب، ر» به معنای: «حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص می‌شود و همان است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می‌بیند، بزرگترین و سنگین‌ترین تکبرها تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرستش است. استکبار دو وجه دارد؛ اول اینکه اگر انسان قصد کند و بخواهد که بزرگ شود و این

حالت در مورد چیزی یا در مکان و زمانی باشد که بزرگی و استکبار در آن واجب است، آن استکبار محمود و پسندیده است. دوم اینکه استکبار در افزون‌طلبی و برتری‌جویی به‌طوری که از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست و از آن او نیست آشکار شود که این استکبار مذموم و ناپسند است و بر همین اساس است آیاتی که در قرآن وارد شده و همان است که خدای تعالی در مورد شیطان گفت: «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ» (۳۴/ بقره) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۹۷).

این واژه با واژگانی همچون شرک و کفر ارتباط اساسی و وابستگی بنیادی دارد: «در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود...» (ص، ۷۵-۷۳). پرچم‌دار اصلی گفتمان مبارزه با استکبار که به‌صورت حقیقی و در عمل، عامل به‌مبانی نظری اسلام بود و توانست حکومتی اسلامی تشکیل دهد امام خمینی(ره) بود. امام(ره) با بینش خاص خود با علم به منابع قرآنی و حدیثی خطر وجود استکبار را برای امت واحده اسلامی هشدار داده است و به‌جرئت می‌توان گفت که از کلیدی‌ترین واژه‌ها در لسان ایشان مبارزه با استکبار است؛ زیرا مهم‌ترین عامل بر سر راه تکوین امت واحده اسلامی استکبار جهانی است. معظم‌له مدام بر هوشیاری سران کشورهای اسلامی در جهت متحد نمودن مسلمانان و مقاومت و مبارزه با مستکبرین تأکید داشته‌اند(امام خمینی، بی‌تا: ۵۰۷/۱۵). همچنین امام، همانند سایر متفکران اسلامی، از استعمار غرب انتقاد کرده و مهم‌ترین اهداف غرب از استعمار کشورهای دیگر را گسترش نفوذ و تقویت پایه‌های سلطه و غارت ثروت ملت‌ها و... می‌داند(فوزی و صنم‌زاد، ۱۳۹۱: ۲۹)، بنابراین امام استعمار را عاملی برای جلوگیری از تشکیل امت واحده و تمدن اسلامی می‌داند.

ضرورت استمرار بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، که درباره مفهوم آن وفاق اندیشه‌ای وجود ندارند، نوعی باور است که تقریباً همه جوامع، گروه‌های مسلمان و حتی آحاد مسلمانان را در برمی‌گیرد. باورهای تعمیم‌یافته یکی از منابع و سرچشمه‌های جنبش‌های اجتماعی است. از زمان پیدایش بیداری اسلامی تاکنون، این بیداری همواره موجد جنبش‌های اجتماعی در سطوح مختلف بوده است(شیرودی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). بلاتردید احیای بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید، اگرچه از حدود یک قرن قبله اندیشمندانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی در جهان اسلام ظهور کردند و ندای بازگشت به اسلام و

تقابل با فرهنگ غرب را سر می‌دادند و در این مسیر نهضت‌ها و گروه‌هایی نیز شکل گرفت، ولی پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان اثبات کرد که مسئله بازگشت به اسلام تنها یک خیال و نظر نبوده است بلکه می‌تواند واقعیت هم داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۳). از همین رهگذر مشاهده می‌شود امام (ره) چگونه و با چه بینشی امت اسلامی را به داشته‌هایشان از هر نظر یادآوری می‌کند. «وظیفه ما و همه مسلمین است، وظیفه علمای اسلام است، وظیفه دانشمندان مسلمین است، وظیفه نویسندگان و گویندگان طبقات مسلمین است که هشدار بدهند به ممالک اسلامی که خودمان فرهنگ غنی داریم... مسلمان‌ها باید خودشان را پیدا کنند، یعنی بفهمند که خودشان دارای یک فرهنگ و کشوری هستند» (امام خمینی، بی‌تا: ۳۲۰/۱۲). در موج جدید بیداری اسلامی، امام خمینی و روحانیان همفکر وی کوشیدند که سیاست را بر محور مرجعیت بازگردانند. طیف مذهبی جنبش دانشجویی نیز به تحقق این هدف کمک کرد. برای تبیین این اندیشه می‌توان از اصلاحات «معنویت‌گرایی در سیاست» و «بازگشت به خویشتن انسان مسلمان ایرانی» استفاده کرد. امام خمینی برای تحقق این هدف به تقویت حوزه علمیه پرداخت (ولایتی، ۱۳۹۲: ۲۴۷ به بعد).

لزوم رعایت اعتدال در مسائل اعتقادی و اخلاق اجتماعی

اعتدال از ریشه «عدل» گرفته شده است و آن را به معنی «برابری» دانسته‌اند (قرشی، ۱۴۲۰: ۴/۳۰۱). راغب اصفهانی در تعریف عدل می‌گوید: «لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن معنی عدل به مساوات، در آن مورد هم به کار می‌رود. عدل و عدل - در معنی به هم نزدیک‌اند ولی - عدل در چیزهایی است که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود و به - کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲/۵۵۱). مؤلف «لسان العرب» نیز در تبیین این واژه می‌نویسد: «اعتدال حالتی بین دو طرف از لحاظ کم یا کیف است و به معنای تناسب، استقامت، قوام پیدا کردن و موزون بودن نیز آمده است» (ابن منظور، ۱۳۷۴: ۴۳۰/۱۱ و ۴۳۳). در قرآن برای بیان مفهوم اعتدال بیشتر واژه قصد: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ...» (نحل/۹) استفاده شده است، البته واژگانی چون وزن: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (رحمن/۹)، بین ذلک: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)، وسط: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...» (بقره، ۱۴۳) سواء: «قُلْ كُلُّ مَتْرَبٍصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى» (طه/۱۳۵)، عفو: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ»

(بقره/۱۹۲) حد و تحدید و یا در حوزه عقیده، لفظ حنیف: «وَ أَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَأَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یونس/۱۰۵) نیز به این معنا به کار رفته است؛ ولی بیشترین کاربرد مفهوم آن، در استوا و قصد است. از سوی دیگر، جایگزین مقابل وسطیت و موزون بودن، جائر و ناموزون بودن است که گاهی از آن به ظلم، اسراف، خشونت، تندروی تعبیر شده است و با موضوعاتی چون عدالت، مدارا، استقامت، تدبیر، رابطه تنگاتنگ دارد و برای تحصیل آن، نیازمند آموزش و تمرین و کسب مهارت است که در علم اخلاق، از آن در سیر و سلوک و تربیت نفوس یاد می‌شود. از دیدگاه اسلام، اعتدال منشأ الهی دارد (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۶۶/۵)، همچنین خداوند، امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می‌کند و پیامبر اکرم (ص) را الگویی شایسته معرفی نموده که این امت باید خود را با دیدگاه‌های او تطبیق داده و از ایشان پیروی نماید: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ الشَّهِيدًا» (بقره/۱۴۳). امت میانه، یعنی امتی که در هیچ امری، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی‌کند و همه برنامه‌های آن در حد اعتدال است. راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است. امام علی (ع) در این باره فرموده است: «انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه جاده وسیع حق است...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

رعایت میانه‌روی در امور اعتقادی و باورهای مذهبی، می‌تواند باعث استحکام پایه‌های عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی تلقی شود؛ زیرا انسان با تدبیر در احکام اسلام و رهنمودهای ائمه دین (ع) می‌تواند از افراط و تفریط دوری گزیده، راه کمال و سعادت دنیا و آخرت را در پیش گیرد. امام خمینی (ره) در بیان عمیقی، راه سلامت انسان را در طی نمودن جاده اعتدال و دوری از انحراف و افراط و تفریط می‌داند: بدان ای عزیز که چنانچه از برای این بدن صحت و مرضی است و علاج و معالجه، برای نفس انسانی و روح آدمی زاده نیز صحت و مرض و سقم و سلامتی و علاج و معالجه است. صحت و سلامت آن عبارت است از اعتدال در طریق انسانیت و مرض و سقم آن اعوجاج از طریق و انحراف از جاده انسانیت است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۲۰۷). ایشان با اشاره به حدیث «غضب فاسد کند ایمان را، چنانچه فاسد کند سرکه غسل را» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۰۲) معتقد است که: حالت تفریط و نقص از اعتدال از صفات رذیله و موجب مفاسد بسیاری است، همین‌طور حد افراط و تجاوز از حد اعتدال نیز از رذایل اخلاقی و موجب مفاسد بسیاری است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

نتیجه

آرمان تکوین امت واحده اسلامی سنت قطعی خداوند است که نیل به این مهم با تبیین درست مبانی نظری آن و اجرای درست تعالیم قرآنی میسر خواهد بود، اما در عصر کنونی، امت اسلامی دچار تفرقه شده و عوامل درونی و بیرونی بسیاری نیز بر اختلافات میان آن دامن زده است. در همین راستا، مصلحان بزرگ جامعه اسلامی، اقدامات مختلفی را جهت یکپارچه نمودن مسلمانان و برقراری اتحاد میان آنان در حوزه نظر و عمل انجام داده‌اند که امام خمینی (ره) به‌عنوان شخصیت جهان اسلام در عصر کنونی، هم به لحاظ نظری و تئوریک و هم در عمل، توانست قابلیت‌های اسلام و مسلمانان را برای اداره جامعه مطرح و عوامل بازدارنده اتحاد میان جوامع اسلامی را تبیین نماید. ایشان با شناخت و بینش عمیق سیاسی و دینی خود، با ارائه تئوری تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، مشکلات، نابسامانی‌ها و چالش‌های پیش روی جهان اسلام و تمدن اسلامی را تفهیم نمودند. امام خمینی (ره)، فرقه‌گرایی افراطی در بین مسلمانان، مطرح‌شدن سیاست جهانی‌سازی از سوی غربی‌ها، فقدان رهبری واحد در جوامع اسلامی، وجود حاکمان ظالم و فاسد در برخی از کشورهای مسلمان، ترویج اسلام آمریکایی و استقبال آگاهانه و ناآگاهانه برخی از مسلمانان از این سیاست و همچنین وابستگی به بیگانگان را از مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های پیش‌روی تمدن اسلامی برشمرده و احیای تفکر اسلامی، وحدت، خودباوری و استمرار بیداری اسلامی را به‌عنوان راهکارهایی برای رفع چالش‌ها و مشکلات جهان اسلام و پیشرفت تمدن اسلامی ارائه نمودند که دستیابی به این ویژگی‌ها و اجرای صحیح تعالیم قرآنی، جامعه اسلامی را به‌سوی رشد و ترقی و اتحاد در صفوف مسلمانان رهنمون می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۵)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، (۱۳۷۵)، *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، *کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القدیمة)*، تبریز: بنی هاشمی.
- اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۵)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم الدار الشامیة.

- افرام، فؤاد، (۱۳۸۵). *منجد الطلاب*، ترجمه محمد بندرریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۸)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۸)، *ولایت فقیه، حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
- بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ ه.ش.
- پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۲)، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام)*، قم: دفتر نشر معارف.
- جعفریان، رسول، (۱۳۷۲)، *تاریخ سیاسی اسلام، جلد ۲*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حرّانی، شیخ ابو محمد، (۱۳۸۷)، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل علی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۶)، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رازی، محمد بن عمر، (۱۴۱۳)، *تفسیر کبیر*، چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ری شهری، محمد محمدی (۱۳۶۲)، *میزان الحکمه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنا عشری*، تهران: انتشارات میقات.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه موسوی همدانی سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *العین*، قم: انتشارات هجرت.
- فوزی، یحیی و محمودرضا صنم‌زاده، (۱۳۹۱)، «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال سوم، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۹، صص ۴۰-۷.

- فولادی، محمد، (۱۳۸۷)، *استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی*، سال هفدهم - شماره ۱۲۶.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹)، *الکافی*، تهران: حیدری.
- مدرسی، سید محمدتقی، (۱۴۱۹)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۳)، *تفسیر نمونه*، تهران: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
- ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۹۲)، *فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: نشر معارف.
- شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۴)، *بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، (مجموعه مقالات)، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
- محمدی، منوچهر، (۱۳۸۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، مجله دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی.